نقل قول خبر

رونمایی از «محصلان مدرسه عشق»

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس از کتاب «محصلان مدرسه عشق» (نقش دانش‌آموزان در دفاع‌مقدس) با حضور مسئولان و فرماندهان و راویان دوران دفاع‌مقدس و جمعی از نویسندگان و پژوهشگران رونمایی کرد. در این مراسم سردار علی‌محمد نائینی، رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع با اشاره به اینکه دانش‌آموزان بخش تعیین کننده قدرت ملی در دفاع‌مقدس بودند و محاسبات دشمن را در هم ریختند، بیان کرد: «قطعاً دانش‌آموزان و معلمان در جنگ امروز، دشمن را شکست خواهند داد. دانش‌آموز امروز در مواجهه با عملیات روانی دشمن باید کاری کند که مانند دانش‌آموزان دوران انقلاب و دفاع‌مقدس، افتخار نسل‌های آینده باشد.» وی در ادامه به ارائه آماری از حضور دانش‌آموزان در دوران دفاع‌مقدس پرداخت و گفت: «در دفاع‌مقدس ۵۵۰ هزار دانش‌آموز به دفعات به جبهه‌ها اعزام شدند. حقیقتاً محصلان مدرسه عشق بودند. ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز، ۵هزار شهید معلم یعنی هر شهید معلم، ۵دانش‌آموز شهید دارد. ۲۸۵۳ جانباز دانش‌آموز و ۲۴۳۲ آزاده در دفاع‌مقدس داریم. دانش‌آموزان نقشی بی‌بدیل و ممتاز در سال‌های دفاع‌مقدس داشتند و کتاب «محصلان مدرسه عشق» بخش‌هایی از کارنامه پرافتخار دانش‌آموزان در این دوره را روایت می‌کند. از دکتر حسین احمدی، مؤلف و پدیدآورنده این اثر تشکر کرده و از سازمان حفظ آثار بسیج و همچنین رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی انتظار داریم پیگیری کنند همچنان که مقام معظم رهبری تأکید فرمودند این اثر در قالب‌های مختلف هنری و تصویری تولید و انتشار یابد.»

خبر

برگزاری پویش کتابخوانی «قهرمان من»

پویش کتابخوانی «قهرمان من» با محوریت کتاب‌های «علی لندی»، «داداش ابراهیم» و «آقا محسن» در حال برگزاری است.
«داداش ابراهیم» نوشته محمدعلی جابری کتابی است کودکانه که به معرفی شهید ابراهیم هادی می‌پردازد. قهرمان این کتاب در اول اردیبهشت ۱۳۳۶ چشم به روی جهان گشود و در ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ در کانال کمیل به شهادت رسید.
«علی لندی» پسری بود که صفت‌های زیبا و خاصی را به همه نشان داد، مثل از خودگذشتگی، احترام و ارزش قائل شدن برای دیگران و عشق به همه مردم سرزمینمان. این کتاب همانطور که از نامش مشخص است درباره این نوجوان فداکار است. کتاب «آقا محسن» نوشته محمدعلی جابری نیز چند داستان زیبا از شهید جاویدان محسن حججی را روایت کرده است.
این پویش کتابخوانی از مهر ماه آغاز شده و تا پایان آبان ادامه دارد و تاکنون بیش از ۵۰ هزار نسخه از این کتاب‌ها در این پویش به فروش رفته است. مسئولان برگزاری ۵۰۰ میلیون ریال جوایز نقدی برای برندگان درنظر گرفته‌اند.
علاقه‌مندان برای خرید این کتاب‌ها از کتابفروشی‌های سراسر کشور و شرکت در پویش می‌توانند عدد ۸ را به شماره ۵۰۰۰۲۴۶۰ ارسال کنند. سی‌امین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «ما همانیم که می‌خوانیم» از ۲۱ تا ۲۷ آبان ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد.

خبر

توسط انتشارات روایت فتح منتشر شد؛

برسد به‌دست حاج قاسم

کتاب «برسد به‌دست حاج قاسم» مجموعه نامه‌های نوجوانان و جوانان به شهید حاج قاسم سلیمانی است به‌تازگی با همکاری انتشارات روایت فتح و مکتب حاج قاسم راهی بازار نشر شده است. این کتاب نتیجه مسابقه دانش‌آموزی «نامه‌ای به حاج قاسم» است که دی ماه سال ۱۳۹۸ با همکاری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در سراسر کشور برگزار شد. در زمان برگزاری این مسابقه بیش از دوهزار نامه از ۳۰ استان و ۹۰ شهر و روستا به دبیرخانه ارسال شد که طی دو مرحله داوری توسط نویسندگان مطرح کشوری از جمله مرتضی سرهنگی، مهدی قزلی، یحیی نیازی، مجید سانکهن، امیر اسماعیلی، راضیه تجار، زینب پاشاپور و یاس حسینیه تعداد ۱۱۰ نامه انتخاب و ۲۹ نامه شایسته قدردانی تشخیص داده شد که در قالب کتاب «برسد به‌دست حاج قاسم» منتشر شد. این کتاب با ۲۲۴ صفحه، شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۶۵ هزار تومان منتشر شده است.

رونمایی از کتاب دو پهلوان

آیین رونمایی از ۲ کتاب شهدای ورزش پهلوانی با همکاری فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران و انتشارات شهید کاظمی برگزار شد. پهلوانان شهید فدراسیون کشتی؛ معلم شهید اصغر منافی‌زاده و شهید مدافع حرم سجاد عفتی دو شهیدی هستند که زندگی آنها در قالب دو کتاب «دوبنده خاکی» و «نخسایی‌ها» در فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران (خانه کشتی پهلوان شهید مصطفی صفرزاده) رونمایی شد. علاقه‌مندان جهت مشاهده و تهیه کتب می‌توانند از طریق سایت رسمی انتشارات شهید کاظمی (nashreshahidkazemi.ir) و همچنین از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ کتاب را تهیه کنند.

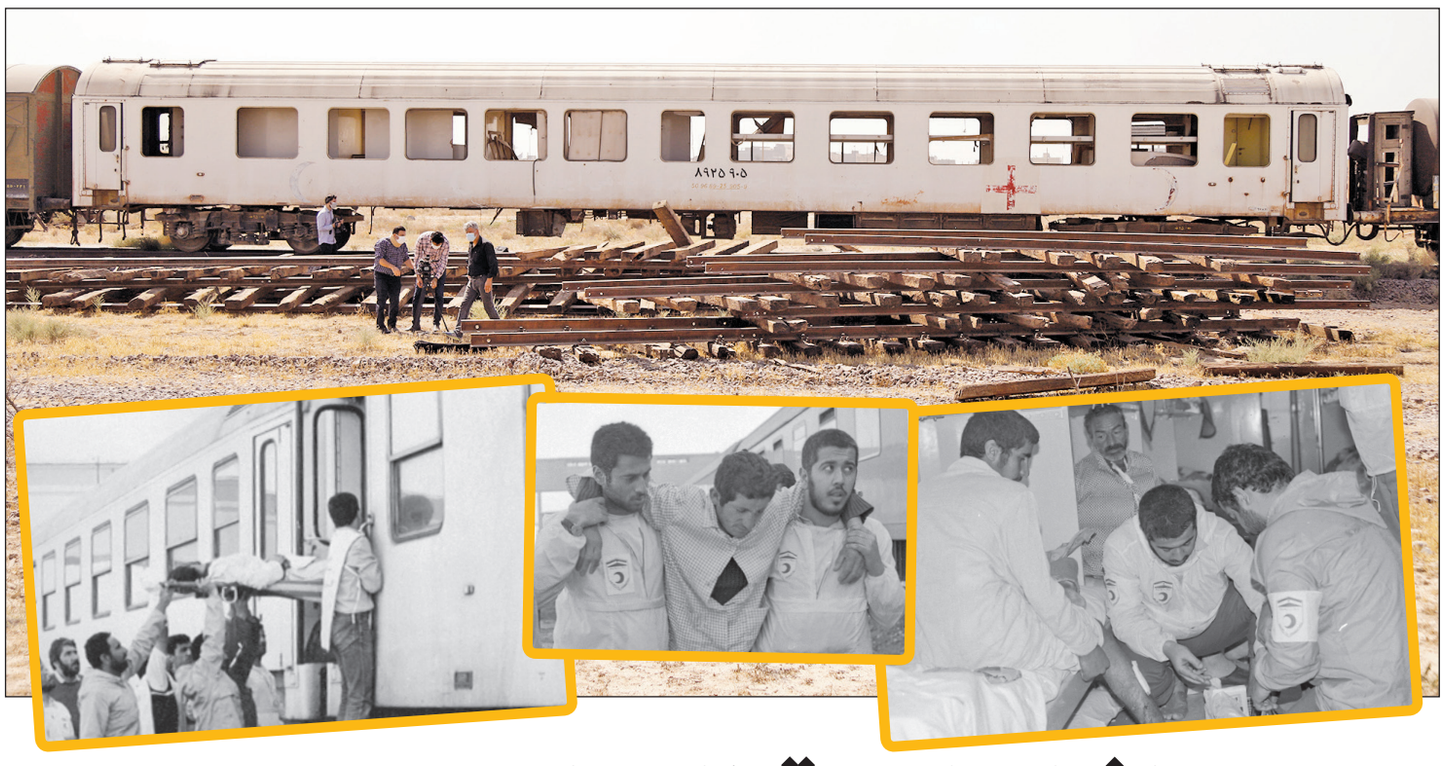

مسافران این قطار عادی نبودند!

در طول ۸سال دفاع‌مقدس، امدادگران هلال‌احمر با واگن‌هایی مجهز به تجهیزات پزشکی انتقال مجروحان جنگی به مناطق امن را برعهده داشتند

گزارش

شهره کیانوش‌راد
روزنامه‌نگار

قطار سفید رنگ که به نزدیکی مناطق مسکونی می‌رسید، مردم خود را به کنار ریل می‌رساندند و با احترام تا حرکت آخرین واگن می‌ماندند و برای مسافران مجروح دست تکان می‌دادند. این تنها قطاری بود که صدای بوق و حرکتش هیچ‌گاه مورد خشم یا بازی کودکانه قرار نگرفت و سنگی به طرفش پرتاب نشد. همه می‌دانستند که مسافران این قطار، عادی نیستند. مسافرانش، رزمندگانی بودند که برای امنیت مردم، از جان شیرین و عزیزانشان گذشتند. قطار بیمارستانی، قطار زندگی بود که از سمت جبهه و مناطق جنگی به سمت تهران و شهرهای دیگر حرکت می‌کرد تا مجروحان را به مراکز درمانی منتقل کند. امدادگران جمعیت هلال احمر هنوز هم خاطره همدردی کارکنان راه‌آهن و هدیه‌ها و خوراکی‌های مردم در ایستگاه‌های بین راهی را به یاد دارند. داستان این قطار بیمارستانی، مسافران مجروح، امدادگران جمعیت هلال‌احمر و همکاری کارکنان ایستگاه‌های راه‌آهن برای تسریع در حرکت قطار، از وقایع مغفول مانده ۸سال دفاع‌مقدس است. چند تن از امدادگران قدیمی، در گفت‌وگو با همشهری ماجرای حمل مجروحان جنگی با این قطار بیمارستانی را برایمان روایت کرده‌اند.

هلی‌کوپتر و هواپیما سریع‌ترین وسیله برای انتقال رزمندگان مجروحان به مراکز درمانی بود اما در شرایطی که آسمان ایران در اکثر شهرها به‌دلیل تهاجم حملات دشمن، امن نبود، قطار وسیله مناسبی به‌شمار می‌رفت. از ابتدای جنگ تحمیلی، ۵یا به گفته برخی ۶واگن بیمارستانی در اختیار جمعیت هلال‌احمر بود. امدادگران به‌وسیله واگن‌های سفیدرنگ با آرم جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، وظیفه حمل مجروحان را برعهده داشتند. منوچهر عبدخداوندی، از اواخر سال ۱۳۶۱ مجروحان جنگی را در این قطار بیمارستانی همراهی می‌کرده‌است. او از امدادگران هلال‌احمر بوده و مسئولیت هماهنگی قطار بیمارستانی را برعهده داشته‌است. به گفته عبدخداوندی، موضوع خرید واگن‌های بیمارستانی به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد؛ زمانی که شرکت راه‌آهن ایران تصمیم داشت چند واگن بیمارستانی را به قطارها متصل کند: «واگن‌ها ساخت کشور اتریش بود و هرکدام ۲۰ تخت داشت. قطار مجهز به اتاق داروخانه، اتاق پرستار، اتاق پزشک بود و بخشی هم به‌عنوان اتاق عمل داشت. قرار بود به انتهای قطارهای مسافربری که مسیرهای طولانی را طی می‌کنند مانند بندرعباس، کرمان، مشهد و... متصل شود تا هنگام حوادث احتمالی و برای مداوای بیماران یا زایمان حین سفر استفاده شود. یکی دو مورد هم ماموریت انجام شده بود، اما با پیروزی انقلاب این قطارها به آشیانه برده شد.»

با شروع جنگ تحمیلی برخی از این واگن‌ها برای حمل مجروحان استفاده شد، اما با ادامه‌دار شدن جنگ و اهمیت انتقال مجروحان به‌خصوص در زمان عملیات، جمعیت هلال‌احمر در قطارهایی که به قطارهای بیمارستانی شهرت یافت، ورود پیدا کرد. عبدخداوندی در ادامه می‌گوید: «پیش از آن، گاهی مجروحان با قطارهای مسافربری جابه‌جامی‌شدند اما اصلاح بر این بود که حمل مجروحان با قطاری که آرم جمعیت هلال‌احمر را داشته باشد انجام شود تا ایمنی مجروحان در مقابل حملات هوایی دشمن تأمین شود؛ تصمیمی عاقلانه و درست که موجب شد با قطار به‌صورت تخصصی انتقال مجروحان انجام شود. قطار از ۶واگن بیمارستانی، یک واگن رستوران و ۶واگن اکسپرس خواب و ۴تخته تشکیل شده بود. مجروحانی که توانایی حرکت داشتند در واگن‌های مسافربری و مجروحانی که با برانکاد حمل می‌شدند در ۶واگن بیمارستانی استقرار می‌یافتند. در انتهای قطار هم یک واگن توشه برای انبار مواد غذایی، پتو، دارو و لوازم پزشکی اختصاص داده‌شده بود. در واگن‌های مسافری که از نوع قطارهای اکسپرس خواب بودند، حدود ۲۰۰ مجروح جا می‌گرفت. به محض اینکه مجروحان را همراه پرونده‌هایشان در ایستگاه راه‌آهن تحویل می‌گرفتیم و سوار قطار می‌شدند، کارهای درمانی را برای آنها شروع می‌کردیم.»

همکاری راه‌آهن برای حرکت قطار بیمارستانی

در زمان جنگ، مسیر قطار مثل الان، ۲ ریله نبود ولی با هماهنگی‌هایی که شرکت راه‌آهن انجام می‌داد هیچ وقت قطار بیمارستانی در ایستگاه‌ها منتظر خالی ماندن ریل نمی‌شد و همیشه اولویت با حرکت قطار بیمارستانی بود. نقش کارکنان در اینگونه ماموریت‌ها بسیار پررنگ است. به‌عنوان مثال گاه در عملیات‌ها مأموران با انتقال وسیع روزانه ۳ یا ۴ قطار که هر کدام حامل ۳۰۰ تا ۴۰۰ مجروح بود، مواجه می‌شدند. از خودگذشتگی و خستگی‌ناپذیری، شرط اول فعالیت هر کدام از کارکنان راه‌آهن بود. خودش در این‌باره می‌گوید: «وقتی مجروحان سوار قطار می‌شدند از طریق تلفن گرام، ساعت حرکت، تعداد مجروحان، نوع و مشخصات جراحت‌ها به ستاد تخلیه مجروحان اعلام می‌شد. به‌عنوان مثال قطاری که حرکت می‌کرد، ستادمطلع بود که ۲۵۰ یا ۳۷۰ مجروح دارد و با بیمارستان‌های مسیر هماهنگ می‌شد که مثلا بیمارستان شهر ازنا، ۲۰ مجروح را توپدی را می‌تواند پذیرش کند. این قطار از امیدیه، اهواز یا اندیمشک حرکت می‌کرد و بسته به تعداد مجروحان و ظرفیت بیمارستان‌های شهرهای ایران، مجروحان را به بیمارستان‌های شهرهای مختلف مثل اراک، قم، تهران، ساری، نکا و گرگان، تبریز، مشهد و... منتقل می‌کرد. در هر شهر و هر ایستگاه تیمی مجهز با پزشک و آمبولانس مستقر بود تا تعدادی از مجرحان را تحویل بگیرند. گاهی ۳۳ساعت در ماموریت بودیم تا بتوانیم مجروحان را به بیمارستان‌های شهرها برسانیم. گاهی هم چون مجروح بدحال داشتیم فقط تا اراک می‌رفتیم و همانجا مجروحان را تحویل می‌دادیم. هر وقت اعلام می‌شد قطار باید به سمت مناطق جنگی حرکت کند، یعنی عملیاتی پیش‌روست، اما گاهی هم عملیاتی نبود و قطار حرکت می‌کرد تا دشمن نتواند حدس بزند چه اتفاقی قرار است بیفتد. اوج فعالیت این قطار بیمارستانی مربوط به زمانی است که هواپیمای غیرنظامی حامل شهید آیت‌الله محلاتی و تعدادی از نمایندگان مجلس مورد اصابت گلوله قرار گرفت و برای مدتی مجروحان اورژانسی را با قطار منتقل کردند. گاهی آنقدر مجروح زیاد بود که در راهروها هم تشک‌های بادی می‌گذاشتیم تا مجروحان روی آن بخوابند، گاهی در تخت‌ها دو نفر را کنار هم می‌خواباندیم و گاهی هم از فضای اتاق عمل استفاده می‌کردیم. هنگام سوار شدن یا تخلیه مجروحان در ایستگاه‌ها همه کمک می‌کردند؛ از امدادگران و کادر درمانی گرفته تا مأموران و کادر ایستگاه‌های راه‌آهن با همدلی کنار همدیگر بودند.»

وقتی با قطار بیمارستانی کار انتقال مجروحان جنگی انجام شد، یکی از امدادگران خوش خط به نام مرحوم جواد فلاح افشار، آرم هلال قرمز را روی قطار کشید. علاوه بر این آرم هلال‌احمر و صلیب سرخ هم با رنگ قرمز روی سقف هم کشیده شد تا ایمنی قطار در برابر حملات هوایی دشمن حفظ شود

از حمل اسرای عراقی و مجروحان شیمیایی

قطار مسیر طولانی را طی می‌کرد و از شهرهای بسیاری می‌گذشت. شهریار مزیدآبادی که اکنون مدرس امدادونجات است با مرور خاطراتش از آن روزها می‌گوید: «قطار بیمارستانی نخستین بار و بعد از محاصره آبادان و خرمشهر، در مسیر تهران تا ماهشهر پیش رفت تا بتواند از پشت شهر آبادان، مجروحانی که از منطقه جنگی می‌آورند را سوار کند و به شهرهایی که تخت‌های بیمارستانی خالی داشت برساند. در برخی شرایط ماموریت‌ها خیلی زیاد می‌شد و گاهی هم در ایستگاه در حالت آماده‌باش منتظر بودیم.» او از ۲ماموریت به‌یادماندنی و سخت یاد می‌کند و می‌گوید: «در عملیات والفجر ۸در بهمن و اسفند ۶۴و تا اوایل سال ۶۵، بعد از حمله سنگین دشمن به منطقه فاو، تعداد زیادی مجروح جابه‌جا کردیم. همه مجروحان اسیر عراقی را اختصاصا با یک قطار بیمارستانی منتقل کردیم. هم باید مراقب رفتارهای آنها بودیم و هم خدمات درمانی را در اختیارشان قرار می‌دادیم. ماموریت دیگر مربوط بود به عملیاتی که رژیم بعث عراق، از بمب‌های شیمیایی استفاده کرده بود. تعداد بی‌شماری مجروح شیمیایی که هر کدام تاول‌های زیادی در بدن داشتند را با قطار بیمارستانی منتقل کردیم. از زمانی که نخستین دسته از مجروحانی که از فاو آورده بودند و شیمیایی شده بودند را از اهواز سوار کردیم، خیلی وضعیت جسمی بدی نداشتند. برخی آبریزش بینی و چشم و کمی سرفه داشتند، اما چند ایستگاه که از اهواز دور شدیم، تمام بدنشان تاول زد و دچار تهوع و استفراغ شدند. ماموریت‌مان در این قطار خیلی سخت گذشت. ۱۷ساعت در مسیر بودیم و یکی یکی حال مجروحان بدتر می‌شد. تعداد امدادگرها زیاد نبود و حجم مجروح بالا بود. اولویت مجروحان شیمیایی، انتقال از مسیر هوایی است، اما در شرایط امن نبودن آسمان، مجبور به انتقال با قطار بودیم. برخی مجروحان بدحال را در ایستگاه‌های بین راه پیاده کردیم تا سریع‌تر به بیمارستان منتقل شوند. وضع‌شان خوب نبود. رگ‌ها در اثر تاول، نازک شده بودند، آب بدنشان داشت تخلیه می‌شد و رگ پوست‌شان را پیدا نمی‌کردیم و نمی‌توانستیم به آنها سرم وصل کنیم. آن شب بدترین مأموریت من بود.»

منوچهر عبدخداوندی هم که در قطار حمل مجروحان عراقی بوده می‌گوید: «تعدادی زیادی از سربازان عراقی به‌شدت مجروح شده بودند و چون لشکر آنها به پشت خط منتقل‌شان نکرده بود؛ بیش از یک شبانه‌روز رها شده بودند تا با پیشروی نیروهای ایرانی، به اسارت درآمدند. وقتی تحویل قطار ما شدند، زخم‌هایشان عفونت کرده بود و در طول مسیر به سمت تهران، بوی خون و تعفن در واگن‌ها، آزاردهنده بود. خوشبختانه در آن سفر آنها را بدون حتی یک نفر فوتی تحویل مراکز درمان نظامی در تهران دادیم.»

عیادت رزمندگان از پشت شیشه قطار

شهریار مزیدآبادی نیز مانند بسیاری از امدادگران و مسافران این قطار بیمارستانی خاطراتی از استقبال مردم از این قطار بیمارستانی دارد: «آن زمان شیشه قطارهای مسافربری در اثر برخورد سنگ در مناطق مسکونی شکسته می‌شد، اما به جرأت می‌توانم بگویم به قطار بیمارستانی هلال‌احمر هیچ‌کس سنگ نزد. در روزهایی که مارش نظامی زده می‌شد و مردم می‌دانستند عملیاتی بوده و قطار حتما از این مسیر رد می‌شود، به ایستگاه‌های قطار می‌آمدند تا به نوعی از مجروحان عیادت کنند. در ایستگاه‌ها خیلی توقف نداشتیم و پیاده شدن مجروحان ممکن نبود به همین دلیل کارمندان راه‌آهن پشت شیشه واگن‌ها می‌آمدند و برای ما و مجروحان دست تکان می‌دادند.»

مزیدآبادی، در ادامه از مغفول ماندن این بخش از خاطرات جنگی دلگیر بوده و امیدوار است توجه مسئولان به اهمیت و حفظ این قطار بیمارستانی جلب شود: «متأسفانه خیلی دیر به سرگذشت پرافتخار این قطار می‌پردازیم؛ قطاری که هزاران مجروح را جابه‌جا کرد. سرنوشت این قطار غم‌انگیز است. راه‌آهن و هلال‌احمر هر دو در حرکت و انتقال مجروحان نقش داشتند. بعد از ۳۴سال و در حالی که بسیاری از واگن‌های قطار از بین رفته است، گفتن از این قطار کمی دیر است. ما همیشه امید داشتیم که این قطار دست نخورده مانده و سالم است. زیرا سرمایه ملی ما به شمار می‌رود. ما دانش و تجربه‌ای در طول جنگ به‌دست آوردیم که می‌توانیم از این دانش در مواقع بحران و با ساخت قطار بیمارستانی با تولید ایران استفاده کنیم. هنوز هم امیدواریم که تنها واگن باقی‌مانده این قطار، به‌عنوان یادگاری از روزهای حماسه و افتخار کشورمان حفظ شود.»

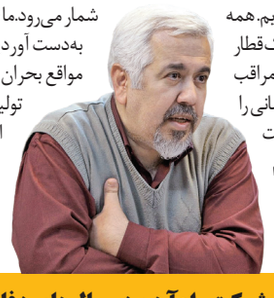

آیا قطار بیمارستانی به موزه می‌رود؟

قطار بیمارستانی، بخشی از تاریخ دفاع‌مقدس به‌شمار می‌آید و می‌توانست به‌عنوان یادگاری از آن دوران و برای روایت بخشی از روزهای دفاع‌مقدس حفظ شود، اما تا سال گذشته رد پای این قطار فقط در خاطرات امدادگران جمعیت هلال احمر، کارکنان راه‌آهن و برخی مجروحان جنگی به یادگار مانده بود. هیچ‌کدام از امدادگران از سرنوشت قطار و واگن‌های آن خبر نداشت. تا اینکه سال ۱۴۰۰ در هفته دفاع‌مقدس، یک خبرنگار از بین خاطرات امدادگران با ماجرای قطار بیمارستانی آشنا و همان موقع درصدد می‌شود تا این قطار را پیدا کند. رضا واعظی‌زاده، خبرنگار جمعیت هلال‌احمر می‌گوید: «بعد از صحبت با برخی امدادگران متوجه اهمیت این قطار شدم. برای پیدا کردن این قطار سراغ یکی از مسئولان ریلی شرکت راه‌آهن رفتم و از او خواستم کمک کند تا قطار را پیدا کنم. می‌دانستم آرم هلال احمر روی سقف واگن‌ها بوده. چند روز طول کشید تا با همکاری بسیج راه‌آهن اسلامشهر توانستم تنها واگن باقی‌مانده از قطار بیمارستانی را پیدا کنم و روز بعدش امدادگران هلال احمر را به این قطار بردم؛ خاطره‌ای که بسیار شیرین و در عین حال تلخ بود. دیدن قطاری که در حال از بین رفتن بود تأسف‌برانگیز بود. پیشنهاد داده‌ایم این واگن یا به محوطه موزه هلال‌احمر یا به موزه دفاع‌مقدس منتقل شود و امدادگران باقی‌مانده از قطار بیمارستانی با حضور در موزه، خاطرات و تاریخچه این قطار را برای بازدیدکنندگان روایت کنند. پیشنهاد دیگر این بوده که این قطار را در پروژه ثبت جهانی راه‌آهن ایران قرار بدهند. نامه‌نگاری‌ها با وزارت راه انجام شده و امیدوارم با همت و همکاری مسئولان تنها قطار باقی‌مانده بیمارستانی حفظ شود.»

مکث

نقش بی‌بدیل شرکت راه‌آهن در سال‌های دفاع‌مقدس

کارکنان شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران با شروع جنگ تحمیلی، نقشی بی‌بدیل و البته مهم و حیاتی را در دفاع‌مقدس ایفا کردند. جنگ تحمیلی که آغاز شد، بیشترین ظرفیت خطوط راه‌آهن به جابه‌جایی تجهیزات نظامی و حمل‌ونقل رزمندگان اختصاص یافت، حتی راه‌آهن وظیفه حمل‌ونقل مواد سوختی و دیگر کالاهای مورد نیاز جنگ را برعهده گرفت. از سوی دیگر در مناطق غیرجنگی نیز امر توسعه و بهبود شبکه ریلی راه‌آهن صورت می‌پذیرفت. در کتاب «حماسه جاوید» که از سوی روابط عمومی راه‌آهن تهیه و تدوین شده، به نقش راه‌آهن جمهوری اسلامی در ۸سال دفاع‌مقدس پرداخته شده است.

یادداشت

سردار محمدقاسم ناظر*

ضرورت روایت صحیح

بسیاری از مسائل اگر به قاعده و در چارچوبی منطقی و عقلانی طرح و بسط شوند، پاسخ متناسب و صحیح را نیز در خود مستتر دارند. پژوهشگر و جوینده‌ای که به‌دنبال پاسخ است، تنها کافی است صورت‌بندی معقول و مناسبی از مسئله داشته باشد. سؤالات و شبهاتی که پیرامون انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس مطرح می‌شوند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اما آنچه در جبهه مقابل انقلاب اسلامی عموما با قصد و غرض و از طریق جریان مثلا آزاد اطلاعات و اخبار توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به مخاطب القا می‌شود، بیش از اینکه بنای پاسخ به سؤال و رفع شبهه و گشودن گره‌ای از ذهن مخاطب را داشته باشد، با دست بردن در روال منطقی طرح سؤال، پاسخ را در هاله‌ای از ابهام فرومی‌برد و مخاطب را سرگردان‌تر از قبل می‌کند.

تأکید عقلای جامعه بر روایت صحیح و دست‌اول از انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس که این اواخر با عنوان جهاد تبیین از آن یاد می‌شود، در واقع ایجاد جریانی است برای مقابله با همین جریان معوج.

مشخصا درباره روایت تاریخ انقلاب و دفاع‌مقدس ۲خطر اساسی وجود دارد؛
اول؛ گذر زمان و از میان رفتن افرادی که خود در صحنه حضور داشته‌اند و مع‌الاسف فقدان آنها روایات دست‌اول و صحیح را به محاق خواهد برد؛ مبارزان و رزمندگان و پیشکسوتانی که ثبت و ضبط تجربه‌ها و دیده‌هایشان، حفظ و نگهداری بخشی از تاریخ است. در این‌باره گرچه سازمان‌ها و نهادها و افراد زیادی دست به‌کار شده‌اند و ذیل عنوان تاریخ شفاهی و مستندنگاری، بخش‌هایی از تاریخ را محافظت کرده‌اند، اما همین جریان نیز با آفاتی از قبیل استناد به واقع دست‌وپنجه نرم می‌کند. از همین رو است اگر درباره واقعه‌ای گاهی چند روایت حتی متضاد وجود دارد و محقق و مخاطب را در ارجاع بدان دچار سردرگمی می‌کند. از طرفی فرایند تاریخ شفاهی بیشتر فرماندهان و بزرگان موردسؤال قرار گرفته‌اند و ظرفیت‌های فعال این جریان که همانا مبارزان کف خیابان و رزمندگان پشت خاکریزها باشند مورد غفلت واقع شده‌اند. کسانی که روایت هر کدامشان می‌تواند تکه‌ای از این پازل وسیع و گسترده را تکمیل کند.
دوم؛ موازی‌کاری‌ها گاهی تا بدانجا پیش می‌روند که از یک اتفاق چندین روایت به‌دست می‌دهد و همین روایت‌ها بهانه و بستری می‌شود برای بیگانگان تا پروژه تحریف و طرح شبهه را با قوت بیشتری ادامه دهند. موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس بنا بر رسالت و وظایف تعیین شده خود به ۲طریق سعی کرده است تا این تهدیدها را برطرف یا لااقل به حداقل برساند؛ ابتدا در بازنگری و طرح مفاهیم موزه‌ای که عموما مخاطب عام و بازدیدکنندگان موزه از قشرهای مختلف در ارتباط است و در مرحله بعد با تعریف کلان طرح‌های تحقیقاتی، محققان، پژوهشگران و طراحان موزه‌های دفاع‌مقدس را در روایتی صحیح از تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس همراهی کرده است. امید آنکه جریان مبارزه با تحریف تاریخ سراسر افتخار این سال‌ها، بیش از پیش سامان گرفته و روایتی صحیح و عقلانی - آنچنان که به واقع بوده است - به‌دست نسل‌های امروز و فردا برسد.

*مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس

خبر

از سوی موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس؛

«سرو» منتشر شد

چهل‌وپنجمین شماره ماهنامه فرهنگی هنری «سرو» با عنوان «مردی با آرزوهای دور بُرد» از سوی موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس منتشر شد.
نشریه سرو از بخش‌های مختلفی تحت‌عنوان «یادمان»، «راویان»، «دیده‌بان»، «گفتمان»، «پرسمان» و «ترجمان» تشکیل شده که هر بخش شامل موضوعات متنوعی است. در بخش یادمان سرو، گزیده‌ای از بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار با پیشکسوتان و فرماندهان دفاع‌مقدس با عنوان «تهدیدی که فرصت شد» و گزارش رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در این دیدار را می‌خوانیم. در فصل راویان این شماره از نشریه سرو، در گفت‌وگویی با حسین الله‌کرم با عنوان «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر داشتند» پیامدهای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را بررسی کرده است. در این بخش همچنین در گفت‌وگویی با امیرسرتیپ دوم لطفعلی خرسندی نگاهی به نقش مهندسی رزمی و پدافند غیرعامل در نیروی هوایی ارتش و فعالیت‌های شهید سرلشکر احمد شجاعی در این سازمان دارد.
در قسمت دیده‌بان، در گفت‌وگویی با سیروس کهوری‌نژاد، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون به بررسی آثار ساخته شده در حوزه دفاع‌مقدس و کمبودهای این بخش از سینمای ایران پرداخته است. دیده‌بان در ادامه نگاهی به فیلم‌های ساخته شده در حوزه دفاع‌مقدس با محوریت یا نقش دانش‌آموزان رزمنده دارد.
در ادامه این نشریه و در بخش‌های گفتمان سرو، پرسمان سرو، راهیان سرو و ترجمان سرو به موضوعاتی همچون بررسی ماهیت استکبار و استکبارستیزی، انقلاب اسلامی و استکبارستیزی، شریعتی و انقلاب، روند رشد و توسعه توان موشکی ایران در ۳دهه اخیر، آزادی در اندیشه اسلامی از منظر امام‌خمینی(ره)، نگاهی به پروژه جنگ داخلی برای تغییر حکومت سوریه، روایتی از پشت پرده صعود قیمت دلار و همچنین به بررسی نبرد اقتصادی میان روسیه و آمریکا پرداخته شده است.
گفتنی است نشریه سرو به سردبیری «مصطفی عمانیان» در ۱۲۰ صفحه چاپ و منتشر می‌شود.